

جام نمایشی - ورزشی ارجان
دکتر اردشیر صالح پور

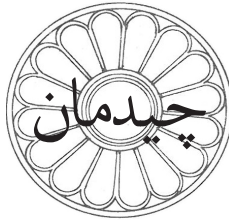


نشر الیما - ۱۴۰۳

سرشناسه	: صالح پور، اردشیر، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: جام نمایشی - ورزشی ارجان / اردشیر صالح پور ؛ با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	: نشر الیما، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۵-۷۶-۵۴۳۲-۶۲۲-۹۷۸
شابک	: ۵-۷۶-۵۴۳۲-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرستی نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: جام ارجان Arjan bowl عیلامیان -- آثار تاریخی Elymaeans -- Antiquities عیلامیان -- حفاری‌ها (باستان‌شناسی) (Elymaeans-- Excavation Archaeology) حفاری‌ها (باستان‌شناسی) -- ایران -- محوطه باستان‌شناسی ارجان Excavations (Archaeology) -- Iran -- Arjan Site حفاری‌ها (باستان‌شناسی) -- ایران -- بهبهان Excavations (Archaeology) -- Iran -- Behbahan
شناسه افزوده	: صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۴۰ - مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	: ۵/ج۴/DSR۴۵
رده‌بندی دیوبی	: ۹۵۵/۰۰۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۰۰۳۰۷۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا



جام نمایشی ورزشی ارجان
دکتر اردشیر صالح پور
ناشر: الیما - تلفن: ۰۹۱۶۳۹۰۲۱۴۷
طرح جلد و صفحه آرایی: سعید ساجدی
چاپ نخست: ۱۴۰۳
چاپ خانه: گاندی
شمارگان: ۱۰۰۰
قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ تومان
شابک: ۵-۷۶-۵۴۳۲-۶۲۲-۹۷۸
سایر حقوق برای نشر الیما محفوظ است.
Elima_pub@yahoo.com



۴.....	دیباچه (دکتر سیدرضا صالحی امیری)
۷.....	فصل اول: عیلام قدیمی ترین سلسله‌ی حکومتی ایران
۱۵.....	فصل دوم: جام ارجان شاهکار هنر عیلامی
۲۳.....	فصل سوم: نگارگری و نگارکندها در عیلام باستان
۳۱.....	فصل چهارم: جام ارجان، جام زندگی (تحلیل و بررسی لایه و نوار اول جام)
۳۷.....	فصل پنجم: نقوش نوار و لایه دوم جام ارجان
۴۱.....	فصل ششم: بازی نمایشی ورزشی الختر
۴۷.....	فصل هفتم: نقوش نوار یا لایه سوم جام ارجان
۵۵.....	فصل هشتم: نقوش نوار یا لایه چهارم جام ارجان
۹۹.....	کتابنامه

به نام جانبخش جسم‌ها

در فرهنگ ایرانی / اسلامی خاتمه‌ی کار قهرمانی، آغاز کار پهلوانی است ورزش نه فقط پرورش جسم که پرورش جان است. ورزشکار ایرانی در زور خانه فرهنگ و فتوت را می‌آموزد و فتوت و جوانمردی همچون درختی است که اصل آن شریعت، بُن آن طریقت، شاخ آن حقیقت و میوه‌ی آن معرفت است. تربیت جسم و جان در ورزش ما چنان دل‌پذیر و ساده و بی‌پیرایه و در هم آمیخته است که تمایزی میان آنان نیست و با موهبت «دلیری» و «راستی» همراه‌اند مهارت و ورزشکاری برای رسیدن به حکمت اخلاقی است. «هرودوت» مورخ یونانی می‌گوید ایرانیان از ۵ تا ۲۵ سالگی، سواری تا تیراندازی و راستی و راستگویی را می‌آموختند و یا استرابون دیگر مورخ یونانی اشارت دارد که؛ ورزش با اخلاق همراه است.

در لوح نگاره‌ها و نگاره‌های کنده سه هزار ساله‌ی ایران باستان به استناد آثار مکشوفه و از جمله جام باستانی (ارجان) که جامی ورزشی-نمایشی است، مابانواع ورزش‌های رایج و قدیمی ایرانی آشنا می‌شویم که برخی از آنها به رغم دیرینگی همچنان تا امروز جاری و مرسوم و انجام‌پذیر است این نشان از آن دارد که نیاکان ما در کنار زندگی همواره به ورزش اهمیت میداده و بر انجام آن اصرار داشتند.

همچنان که سعدی شیرازی شاعر قرن ۷ هجری در کتاب گلستان خود از کشتی‌گیری یاد می‌کند که ۳۶۰ فن و بند، دانسته و قادر به انجام آن بوده و در همین دوره‌ی تاریخی ما با پهلوانان و عیارانی مواجه می‌شویم که نهضت

پهلوانان سربهدار علوی خراسان را برای حفظ و صیانت از وطن تشکیل می‌دهند و ادبیات پر مایه‌ی ماگواه حماسه‌های ملی و مذهبی و آیینی است که نماد دل‌آوری، جوانمردی و دین‌داری است. آیین پهلوانی بر چهار رکن بنیادی استوار است که دلیری، «بخشندگی»، «انسان دوستی» و «آدمیت» از آن‌ها می‌شمارند.

- به همین اعتبار است که کمیته ملی المپیک ایران در کنار زمینه‌سازی شکوفائی و استعدادهای ورزشی جوانان این مرز و بوم و آمادگی جهت کسب افتخارات ملی و جهانی به آموزه‌های دینی و فرهنگی و فضائل و مکارم اخلاقی ورزش و ورزشکاران تأکید دارد و همراهی و همپوشانی تربیت جسم و جان را به فال نیک می‌گیرد.

جام باستانی ارجان که در این دوره از بازی‌ها به عنوان نماد و شاخص دیرینگی و تبلیغاتی حضور ورزشکاران ایران در المپیک توکیو انتخاب گردیده شاهدی مصور بر روایت‌مندی ورزش در زندگی ایرانیان است که از دیرباز برای ما به یادگار مانده و امید است امسال با درخشش ورزشکاران کشورمان در پرتو عنایات الهی برای ایران اسلامی، افتخار آفرین باشد.

دکتر سید رضا صالحی امیری

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

*این مقدمه را دکتر سید رضا صالحی امیری زمانی نوشتند که ریاست کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی را به عهده داشته و جام ارجان را به عنوان نماد ورزشی گروه المپیک ایران (توکیو - ۲۰۲۰+) انتخاب کرده بودند.

عیلام، قدیمی ترین سلسله‌ی حکومتی ایران

پیش از ورود آریایی‌ها به فلات ایران، قومی مقتدر در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران ساکن بود که به عیلام معروف و در شمار کهن‌ترین اقوام و ساکنان ایران به شمار می‌رفته‌اند. عیلامیان در حدود سال ۳۳۰۰ پیش از میلاد با استفاده از خط به ثبت و ضبط اطلاعات خود پرداخته و با تشکیل دولت خود در سال ۲۶۸۰ پ. م رسماً قدیمی‌ترین حکومت ایرانی را تشکیل دادند که پایتخت آنان شهر کهن و باستانی شوش بود.

فرهنگ و تمدن باشکوه و ناشناخته‌ی عیلام به کوه یخ شناوری در اقیانوس بیکران و راز ناک تاریخ می‌ماند که تنها بخش کوچکی از آن از آب سر برزده و مابقی آن همچنان در اعماق تاریخ نهفته و پنهان است.

گوئی عیلام با اکراه شدیداً به آشکار کردن اسرار خود رضایت می‌دهد.

(هینتز ۱۱: ۱۳۷۱)

از سوی دیگر دانسته‌هایی که امروزینه در دست است و سینه به سینه و زبان به زبان می‌چرخد حاصل خوانش کتیبه‌ها، گل نبشته‌ها و گل نگاره‌ها و سنگ نگاره‌های صخره‌ای و یافته‌ها و مکشوفات باستان‌شناختی است که

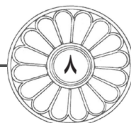
طی سالیان اخیر بدست آمده و حتی گاه برخی از اسناد به روایت کشورهای همسایه و دشمنان عیلام است که ما را با سابقه و قدرت این قوم و حکومت ایرانی آشنا می‌سازد.

آنان مردمانی هنردوست و صلح‌طلب بودند که بر مبنای گزارشات باستان‌شناسی در بین یافته‌های آنان هیچگونه انبار و اسلحه‌های جنگی یافت نشده اما در عوض تمام استعداد خود را در نگار کندها، گل‌نوشته‌ها و تصاویر و پیکرک‌ها و تندیس‌ها آئینی و مذهبی به خرج داده و آثار بی‌مانند فرهنگی و هنری از خود به یادگار گذاشته‌اند.

عیلام را می‌توان یکی از فصول درخشان تاریخ کهن ایران دانست. تمدنی درخشان که چون ستاره‌ای تابناک پرتو افشان دوره‌ی خود و سایر تمدن‌های پیرامونی و پس از خود بوده است.

سرزمین عیلام یکی از چهار قسمت دنیای قدیم یعنی اکد در شمال، سومر در مشرق، آمدرو در مغرب و عیلام در جنوب محسوب می‌شده است که نژادی آسیائی یا زاگرو عیلامی داشته یعنی نه هندی و اروپایی و نه سامی بوده‌اند. (آمیه ۲: ۱۳۸۱)

عیلامیان از اوایل هزاره چهارم پ.م در دشت سوزیان (خوزستان امروزی) که امتداد طبیعی دشت میان رودان (بین‌النهرین) می‌باشد زندگی شهرنشینی را آغاز کردند. هرچند زیست‌آنان در تپه‌ی چغامیش حدفاصل دزفول و شوشتر به ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد نیز شهر شوش قدمتی شش هزار ساله دارد.



حکومت عیلام اصولاً حکومت ایالات خود مختار یا بهتر بگوئیم نوعی حکومت فدرال بوده است که هر یکی از ایالات دارای حکومتی جداگانه بودند. عیلام هم خود دارای تمدن عالی بود و هم از ابتدای تولّد تا دم مرگ در کنار همسایگانی می‌زیست که دارای تمدن درخشان و پیشرفته مانند آکاد و سومر بودند که پس از مدتی درهم آمیخته و تشکیل دولت بابل را دادند. عیلام و همسایگان غربی‌اش در میان رودان گاهی تماس‌های دوستانه و مسالمت‌آمیز و گاه خصمانه داشته‌اند که در هر حال موجب تبادلات و تعالی فرهنگی و تمدنی شده است. همچنان که شوش روزگاران درخشان و با عظمتی را به خود دیده است. تمدن عیلامی همزمان که اوج می‌گرفت، گاه توسط همسایگان درهم می‌ریخت. به قول آندره پارو؛ عیلام در صحنه‌ی دنیای کهن، قهرمان بزرگی است. (آمیة ۱۶: ۱۳۸۴)

عیلامیان قومی مذهبی بوده که وجود معابدی از جمله معبد بزرگ و پنج طبقه‌ی «چغازنبیل» در شوش خوزستان با بکارگیری میلیون‌ها آجر، تجلی اعتقادات و باورهای مذهبی آنان است. صدها رب النوع و اسطوره و خدایان حامی شهرهایشان در کتیبه‌ها و نگاره‌ها معرفی شده‌اند و بخش عمده‌ای از هنر آنان را همین باورها و دستاوردهای مذهبی و اعتقادی آنان تشکیل می‌دهد.

به استناد شواهد و قرائن، آنان همپا با تمدن «سومر» در شهر باستانی (اوروک) در منطقه جنوب میان رودان (بین‌النهرین) تمدنی را بنا نهادند که بعدها پایه و مایه‌ی امپراطوری هخامنشی گردید و تأثیر و دامنه‌ی اقتدار خود را تا مصر و یونان باستان کشاند.

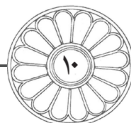


واژه‌ی عیلام - ایلام با واژه‌ی آشوری - بابلی، الامتو، سرزمین کوهستانی تطابق دارد. بابلی‌ها قسمت مرتفع سرزمینی را که در مشرق بابل قرار داشت، الامتو یا الام یعنی کوهستان و شاید کشور طلوع خورشید یعنی مشرق می‌نامیدند. کشور عیلام شامل خوزستان و لرستان امروزی، بوشهر، پیشکوه و پشتکوه و کوه‌های بختیاری بوده است. (آمیة ۲: ۱۳۸۰) بخش‌های جنوبی کرمانشاه، همدان و استان‌های عیلام و فارس را سرزمین عیلام می‌گفتند. (شیشه‌گر ۳۴: ۱۳۹۳)

سومری‌ها حروف اختصاری NIM را برای عیلام بکار می‌بردند و این کلمه در زبان سومری به معنای بالاست و این وجه تسمیه شاید بیشتر از آن منظر باشد که عیلامی‌ها نسبت به آنان در ارتفاع بیشتری قرار داشتند. عیلامیان سرزمین خود را «هلتامتی» «هتامتی» به نام «سرزمین خداوند» می‌خواندند.

در کتاب مقدس نام عیلام چندین بار آمده است و نام عیلام به عبارتی گویی مدیون این کتاب دینی ست. در سفر پیدایش کتاب مقدس باب چهاردهم در آیات ۱ و ۴ و ۵ و ۹ و ۱۷ از «کَدْرُلاَعْمَر» پادشاه عیلام و در آیات ۲ و ۹ از «عیلام» نام برده شده است.

به عبارتی تاریخ عیلام را می‌توان ابتدای تاریخ سیاسی ایران دانست. قومی که احتمالاً در اواخر هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد از کوه‌های زاگرس، از شمال و شمال شرقی وارد دشت و جلگه‌ی خوزستان شده و به فلات آنجا فرود آمدند، حکومت تشکیل دادند و سلسله‌های مختلفی را بنا نهادند و آثار



ارزشمندی از خود به یادگار گذاشتند.

مورخان تاریخ عیلام را به سه دوره تقسیم می‌کنند:

عیلام قدیم (از هزاره سوم تا میانه هزاره دوم پ. م.)

عیلام میانه (از هزاره دوم تا قرن هشتم پ. م.)

عیلام جدید (نو) (از قرون هشتم تا ششم پ. م.)

باستان شناسان طول دوران حکومتی این سلسله‌ی ایرانی را قریب به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌دانند که در آن چند سلسله‌ی حکومتی حضور داشته و بر سرزمین عیلام حکم می‌راندند.

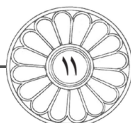
سلسله پادشاهان اوان AWAN

سلسله‌ی سیمایش SIMASH

سلسله اپارات EPART

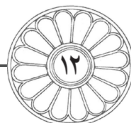
سلسله ایکهالکی EKHALKE

سلسله شوتوروک‌ها SHUTURUKIDEN



و پادشاهان عیلام نو (اولین پادشاه هومبان تا هزاره ۷۶۰ پ. م و آخرین پادشاه هومبان هالتاش سوم ۶۴۴ پ. م حکومت عیلام نو تا پس از حمله ی آشوریان و روی کار آمدن هخامنشیان در شهرهای آیپیرایزه) رامهرمز و ارگان (ارجان) ادامه داشت و هرچند حکومت عیلام به دست شاه آشوری، آشوربانی پال و در سال های (۶۴۰ - ۶۳۹) از میان برداشته شد اما تمدن و هنر عیلامی از بین نرفت و به اشکال مختلف در روزگار هخامنشیان و پس از آن در خوزستان تداوم داشت.

به نظر می رسد که شاخه ی ارشد سلطنتی یعنی شاخه ی کورش کبیر قبل از شروع جهانگیری در قالب تشکیلات عیلام قرار گرفته بوده است تا جائی که شاید اسامی آنان نیز نام های عیلامی بوده، مانند خود «کورش» که «کورش» تلفظ می شده است. آشور بانی پال پادشاه آشور تصمیم گرفت که کار عیلام را یکسره کند. در زمان هومبان هالداس دوم ابتدا ماداکتو، شهر باستانی (دره شهر ایلام) را تصرف کرد و با فتح این شهر معابد کرخه بر روی سپاهیان دشمن گشوده شد. سپس شهر شوش را در ۶۴۰ پ. م تسخیر کرد و در... دشت شوش را گرفت و به هیدالو (شوشتر) تا سلسله جبال غرب دولت پارسوماش هخامنشیان رسید ولی نتوانست به انشان و انزان دسترسی یابد و همین امر زمینه ای شد تا آشوریان به قسمت جنوبی شوش حکومت کنند و در شمال شرق شاهان انزان و انشان عیلام نو را در قلمرو خود داشتند که آیپیر (ایزه)، رامهرمز، بهبهان، کورانگون و استان فارس در قلمرو نو عیلامیان و بعدها با نام هخامنشیان به امپراطوری خود دست یافتند.





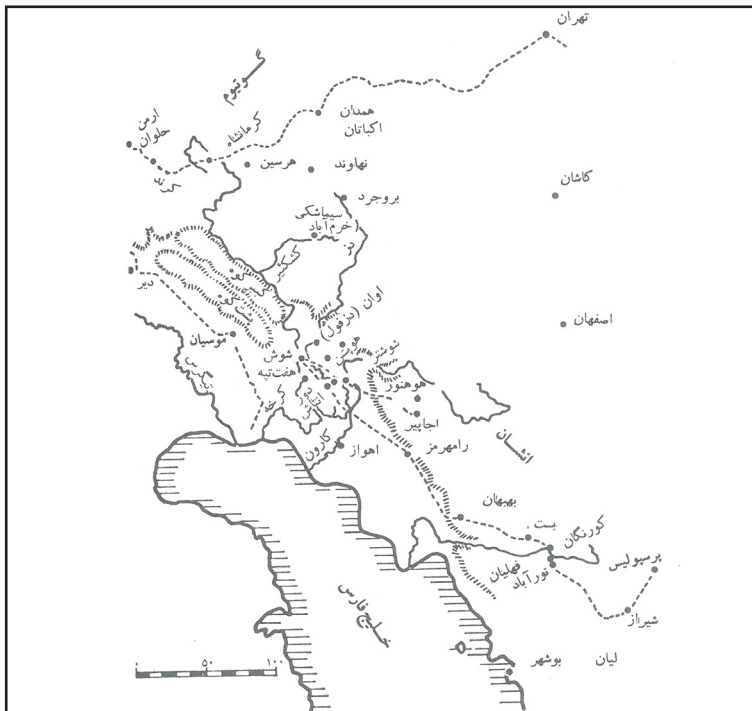
در زمان ساسانیان این شهر به وسیله قباد بن فیروز پدر انوشیروان مرمت و احیا گردید. از آن سبب آن را «ابرقباد» یا «رامه قباد» نیز می‌خوانند که یکی از چهار کوره‌ی مناطق بزرگ ساسانی بوده است.

۲- کورہی «اردشیر» بہ مرکزیت شہر فیروز آباد

۳- کورہی «شاپور» بہ مرکزیت شہر بیشاپور «کازرون»

۴- کوره‌ی «قباد» به مرکزیت شهر «ارگان» «ارجان» بهبهان

بدان که کوره‌ای قباد شهر ارغان است که یک فرسنگی بهبهان افتاده است. نقل است که قباد بن فیروز پدر انوشیروان آن را بنا کرده و به روزگار فترت خراب گشت و این زمان آثار اطلال آن مانده است و قلعه‌ی «فرامرز» و شهر «زیدون» و بندر «ماهی‌روبان» و قصبه‌ی «آب شیرین» و «دیراب» این جمله قدیم از اعمال ارغان بوده است. (زرکوب شیرازی ۱۳۸۹:۹۹)



نقشه عیلام - ایران باستان

جام ارجان ، شاهکار هنر عیلامی

در سال ۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی) در ۱۲ کیلومتری شهر بهبهان در استان خوزستان هنگامی که بولدوزرها مشغول حفر کانال آب و خاکبرداری بودند تیغهی بولدوزر به دخمه‌ای برخورد نمود که بعدها معلوم شد آرامگاهی مربوط به قوم عیلام است .

کشف این آرامگاه و اشیاء بسیار نفیس و گران‌بهای که از داخل آن بدست آمد اکتشافی بزرگ بود که اطلاعات و آثار ارزشمندی را به تاریخ باستان‌شناسی ایران و جهان هدیه داد .

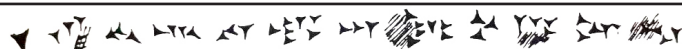
در این آرامگاه به تابوتی برنزی به شکل U برخورد گردید که در داخل و خارج آن اشیاء مختلفی از جمله اسکلت یک انسان که در دست چپ او حلقه‌ی طلائی در ناحیه‌ی میچ ، نود و هشت دکمه‌ی طلائی ، یک خنجر ، مقداری تکه پارچه و یک میله‌ی نقره‌ای و یک چراغ برنزی ، تنگ نقره‌ای ، کوزه و یک ساغر و ده ظرف استوانه‌ای شکل و از همه مهم‌تر جام و سینی به ابعاد قطر ۴۳/۵ سانتی‌متر و عمق ۹ سانتی‌متر پیدا شد که تاریخ و اطلاعات تازه‌ای را از زیست و اقتدار سیاسی و معیشت این قوم را در اشکالی تازه به ما معرفی نمود .

یکی از کشفیات مهم این محوطه تاریخی حلقه‌ی قدرت زرّینی بود که دارای دسته‌ی استوانه‌ای هلالی شکل توخالی بود که دو انتهای آن به دو صفحه‌ی بیضی شکل ختم می‌شد. قسمت داخلی این صفحه‌ها به طور قرینه با نقش دو شیر بالدار که در دو طرف درخت مقدس ایستاده‌اند تزئین شده بود. دورتادور اشکال نقش گیس باف دیده می‌شود. در زیر پای شیرها سه ردیف نقش به صورت طاق هلالی شکل کنده شده و بر روی دسته، شیارهایی ایجاد شده که انتهای آنها به یک گُل ۱۲ پر در قسمت بیرونی دو صفحه خم می‌شد. این حلقه دارای کتیبه‌ای به خط میخی عیلامی در قسمت دسته بود که روی آن نام «کیدین هوتران پسر کورولوش» حکاکی شده بود.



حلقه‌ی قدرت زرّین ارجان

نام کیدین هوتران افزون بر حلقه‌ی قدرت بر سه شیء دیگر حکاکی شده بود که به نظر می‌آید تعلق این اشیا را به شخص مورد نظر که همان کیدین هوتران است می‌رساند.



نوشته خط میخی (کیدین هوتران، پسر کورلوش)

این نام بر حلقه و آتشدان و جام ارجان به‌عنوان کتیبه با خط میخی حک شده بود. از همه مهم‌تر آنکه در جام ارجان که پادشاه در هر چهار لایه آن حضور دارد اسم شخص دقیقاً در پشت پیکره‌ی پادشاه عیلامی یعنی پشت روی لایه یا نوار اول حک شده که هدف از این کار اعلام آن است که پادشاهی که در روی چادر سلطنتی در شکارگاه نشسته همانان «کیدین هوتران پسر کورلوش» است؛ که احتمال می‌رود او یکی از پادشاهان محلی و منطقه‌ای عیلام در ناحیه‌ی ارجان باشد.

جام ارجان به شکل نمایشی حادثه و شورشی را در دوران پادشاهی کیدین هوتران در چهار لایه بازگویی و روایت می‌کند که درواقع نکته‌ی آن رفع و سرکوب شورشیان است که به جشن پیروزی و نمایش ورزشی می‌انجامد.

این جام و سینی دایره‌ای شکل که حالتی نیمه گود دارد ۴۳/۵ سانتی‌متر قطر داشته و عمق آن ۹ سانتی‌متر است و جنس آن از برنز بوده که در وسط این جام گل لوتوس یا نیلوفری ۱۶ پر دیده می‌شود.





آتشدان مکشوفه از ارجان

درباره‌ی اینکه پادشاه مذکور در چه عصری حکومت می‌کرده باید گفت که آثار و مدارک ارائه شده دو دوره را به ما یادآور می‌شود.

دوره اول عبارت از قرون ۱۰-۹ پیش از میلاد و دوره‌ی دوم ۸-۷ پ.م است. در دوره‌ی عیلامی دو «کورلوش» وجود داشته که کورلوش اول تاجر البسه بوده و فرستاده شخصی به نام «اون ساک‌ها» و نام کورلوش دوم بر روی مهر استوانه آمده است با مضمون «پارسیرا پسر کورلوش». در مورد وضعیت کورلوش دوم اطلاع دقیق در دسترس نیست.

برخی از باستان شناسان ایرانی آرامگاه مذکور را مربوط به سلسله‌ی عیلام نو می‌دانند و پس از مقایسه‌ی تابوت برنزی و نقوش حلقه‌ی قدرت تاریخ آن را در حدود قرن هشتم پیش از میلاد می‌دانند. (علیزاده ۲۶۷: ۱۳۶۵)

هم چنین والا، باستان شناس فرانسوی پادشاه بودن (کیدین هوتران) را مردود می‌داند و علت آن را هم نداشتن لقب می‌داند. او وجود آلات و ادوات موجود در آرامگاه را نیز متعلق به شخصی دولتمند و یا یک (شاهک) حاکم محلی مناطق کوهستانی قلمداد می‌کند. (والا ۱۲۰: ۱۳۶۴)

آنچه مسلم است باید قدمت تاریخی این جام و آثار مکشوفه را با احتساب اختلاف نظر باستان شناسان به ده‌های ۷ تا ۱۰ پیش از میلاد منتسب دانست.



اما اگرچه هرکدام از آثار بدست آمده از آرامگاه واجد ارزش و زیبایی شناسی و کاربرد خاص دارند اما بیش از همه جام و سینی ارجان با توجه به نقوش و حکاکی و ویژگی‌های روایی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است که ما را با نحوه زندگی آن دوران بیشتر آشنا می‌سازد.

مهم‌ترین ویژگی، رئالیسم حاکم بر جام است که همه نقوش حک شده، گویای صحنه‌های واقعی زندگی‌اند و بر اساس واقعیت حاکم بر جام می‌توان به بازسازی شیوه‌ی زندگی مردم عیلام پرداخت. (مرادی ۱۳۷۹: ۷۳۱)

دکتر محمد رحیم صراف باستان‌شناس عیلام پژوه به طور مفصل و مبسوط این جام مکشوفه را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و جنبه‌های نمایشی و روایتگرانه‌ی آن را در مراحل مختلف به شکل روایی بازگو کرده است و مضمون آن را ضمن بررسی سطوح و لایه‌های مختلف مربوط به روایت سفر کوهستانی پادشاه و بروز شورش در شهر و بازگشت و سرکوبی شورش و برگزاری جشن پیروزی با حضور هنرمندان و ورزشکاران و عملیات ورزشی می‌داند که همه‌ی مراحل در لایه‌ها و نوارهای چهارگانه در پهنه‌ی این جام و سینی به شکل دایره‌ای حکاکی و به زیباترین شکل به نمایش گذاشته شده است.

او بر جنبه‌های نمایشی- روایی این جام تأکید دارد و خط سیر این وقایع را با محوریت شخص شاه (کیدین هوتران) که نام او درست در پشت محل نقش حکاکی تصویر شاه در لایه‌ی بیرونی نگاشته شده تا مرحله‌ی جشن شادی و پیروزی تجزیه و تحلیل می‌کند.



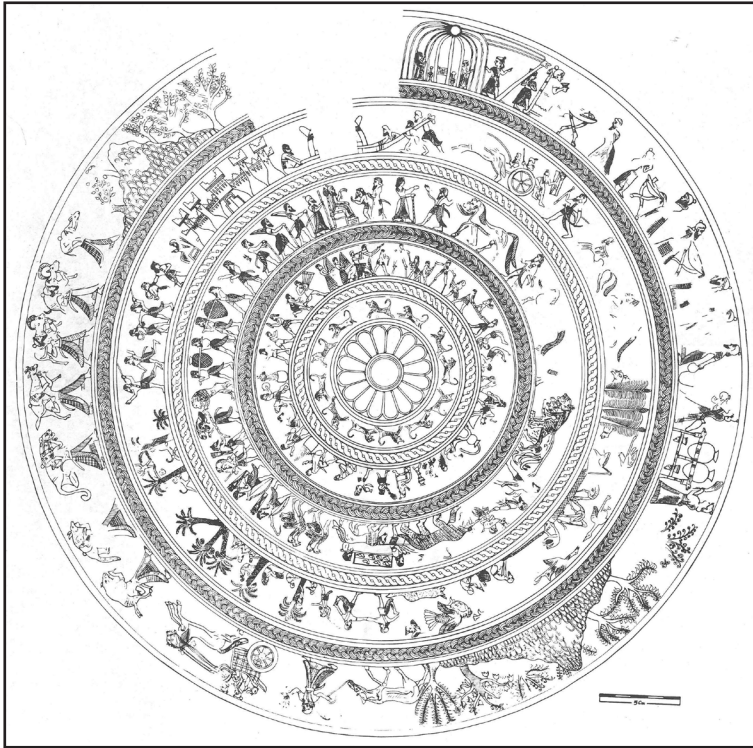
دکتر نورالله مرادی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «استمرار سنت‌های ایلامی در ایل بختیاری» بر تداوم این فرهنگ در منطقه کوهستانی بختیاری و شیوه کوچ زیستی (کوهستان - دشت) و آداب و رسوم باقی مانده در زندگی آنان از جمله بازی «الختر» که هنوز بین لره‌های و بختیاری مرسوم است تأکید می‌نماید و بر شباهت اینگونه حرکات را در مراسم عروسی بختیاری یادآور می‌شود. او هم چنین برخلاف نظر دکتر صراف خوانش تحلیلی نقوش جام را از مرکز به بیرون دنبال کرده و شیوه‌ها و مراحل مختلف زندگی عیلامیان را در این جام تحلیل می‌نماید. مظاهر مختلف معیشتی از جمله کشاورزی و شکار و مظاهر سیاسی حکومتی در لایه‌های مختلف گویای زیست عیلامیان در آن روزگاران به خوبی در این جام آشکار است.

خوشوقخانه این جام که به ابتکار هنرمندان خلاق و نگارگران با ذوق عیلامی طراحی و حکاکی گردیده چنان سرشار از نقش و نقوش متفاوت است که ما را با جنبه‌های مختلف زندگی از جمله زیست محیط، ورزش و هنر و نمایش آشنا می‌سازد و سابقه‌ی این گونه عملیات و حرکات نمایشی ورزشی را از دوران باستان بر ما آشکار می‌سازد و بیهوده نیست که جام ارجان را «جام زندگی» نام نهاده‌اند.

این جام که در سال ۱۳۶۱ خورشیدی برابر با ۱۹۸۱ میلادی در حوالی بهبهان کنونی در استان خوزستان کشف و توسط باستان‌شناسان وقت از جمله فائق توحیدی و علی محمد خلیلیان حفاری و توسط محمد رحیم صراف، رسول بشاش، عزیزاده و سایر پژوهشگران و باستان‌شناسان ایرانی



و خارجی مورد بررسی قرار گرفته هم‌اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود که در شمار آثار ارزشمند باستانی، هنری، ورزشی ایران و کهن و جلوه‌ی کوچکی از زندگی ایرانیان در عهد عیلام باستان است.

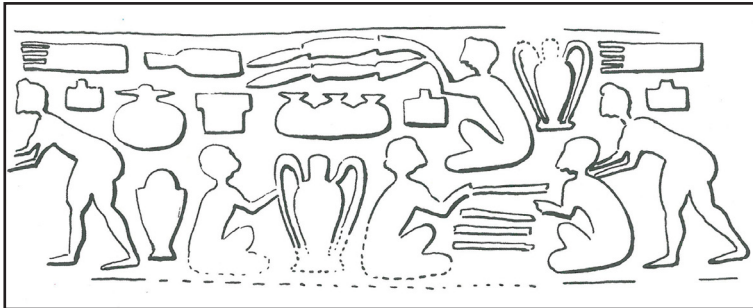


جام نمایشی - ورزشی ارجان

نگارگری و نگارکندها در عیلام باستان

تصویرسازی و نگارگری یکی از ویژگی‌های بارز فرهنگ و هنر عیلامی است.

همچنان که در مصر باستان و تمدن‌های میان درودی (بین‌النهرین) مشاهده می‌شود. تصویر نخستین زمینه‌های پیدایی خط را ایجاد کرده و خطوط اولیه اغلب حالتی نقاشی مآبانه داشته‌اند. کتیبه‌ها، نگارکندها و لوح‌های گلی به جامانده از این تمدن‌های کهن چنین موضوعی را تأیید می‌کند از آن پس کم‌کم خط از نقاشی و تصاویر فاصله گرفت و به «نشانه‌گذاری» اختصاری حروف روی آورده است ولی به نظر می‌آید عیلامی‌ها همچنان علاقه خود را به حکاکی تصاویر و ارائه مفاهیم با به کارگیری نقوش در جهت معرفی هر چه بیشتر و سریع‌تر از طریق چشم مدّ نظر و تمایل داشته‌اند. آنان در مناطق کوهستانی بر جداره صخره‌ها و پهنه و دیواره‌های سنگی نقش برجسته حک می‌کردند و در مناطق دشت و فلات از گِل و لوح‌های گلی و کتیبه‌های خام و پخته با خلق نگاره‌ها ابراز وجود می‌کردند.



لوح‌های حکاکی شده عیلامی

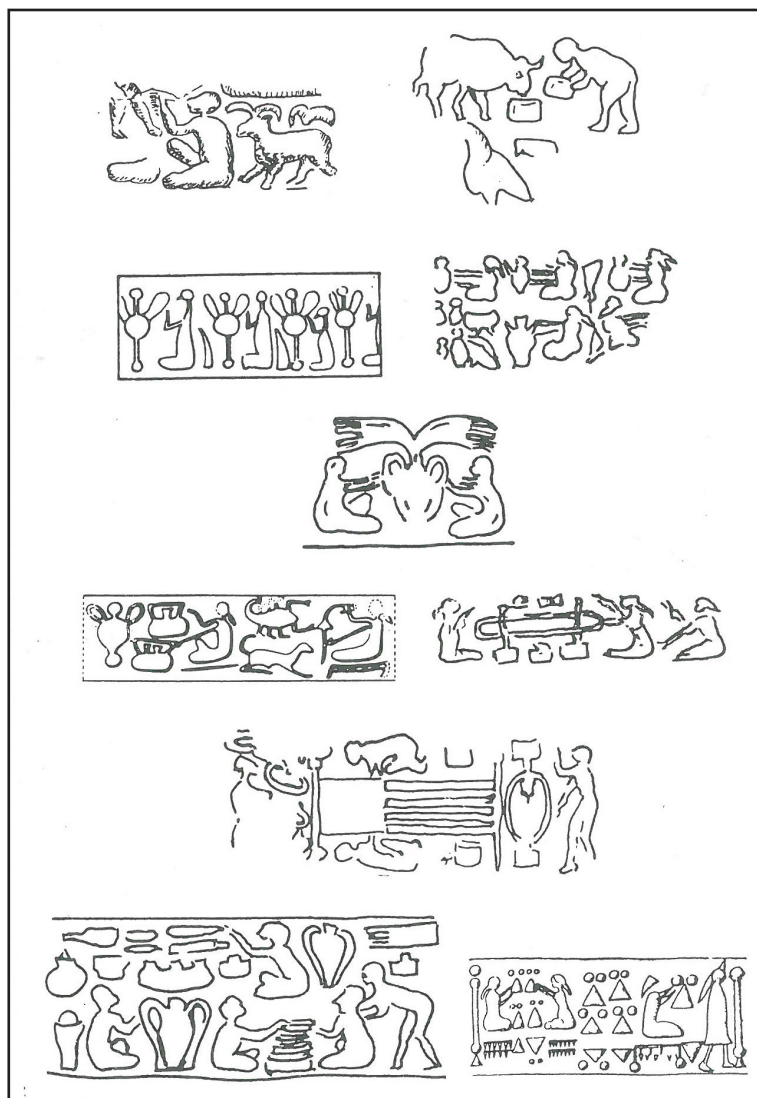
به طور مشخص در شهر «آیپیر» در منطقه‌ی ایذه‌ی کنونی خوزستان که هم‌دوره با تمدن عیلام نو و معاصر با دوران «کیدین هوتران» و «جام ارجان» است صدها نقش و نگار کننده بر دو معبد نارسینا (کولفرج) و تاریشا (اشکفت سلمان) باقی مانده است که مراسمی نیایشی را به تماشا می‌گذارند. در کاروان (کارناوال) آئینی نارسینا (کولفرج) برپا دارندگان آئین و مناسک مذهبی را مشاهده می‌کنیم که در صفوف منظم به همراه نوای موسیقی و ساز و آلات موسیقی با حضور مؤمنان و حیواناتی را که برای قربانی کردن به مذبح می‌بردند دیده می‌شود و مراسم آنقدر اهمیت رسمی دارد که شخص شاه نیز به استقبال برگزارکنندگان آمده و خود به حالت احترام و نیایش در این مراسم حضور دارد. همچنین آیین قربانی کردن به نمایش گذاشته شده است.

واژه فارسی «نگارکند» یا «سنگ نگاره» که با استعانت از مصادر فارسی و لری بختیاری «کندن» به معنای نقش کردن و اصطلاحاً «نقش و نگار» در برابر واژه‌ی لاتینی «پتروگلیف» معنای «حگ کردن» است که خود از

دو واژه‌ی یونانی «Petros» به معنای سنگ و «Glyphein» به معنای حک کردن اخذ شده است. سنگ نگاره‌ها نقوشی هستند که به کمک ابزاری تیز یا محکم مانند فلز، قلم و چکش و قلوه سنگ به شیوه‌های دیگر بر سینه‌ی صخره‌هایی که سطح آنها در اثر رسوب گرفتگی تیره شده و یا جنس سنگ به گونه‌ای است که قابلیت نقش‌پذیری و نوشتاری را دارد و مناسب نقش اندازی است، ایجاد می‌کنند.



تصویری از نگارکند عیلامی در کولفرح ایزه



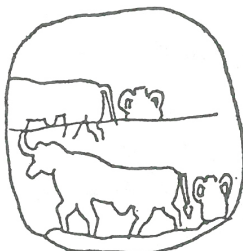
علاقه‌مندی عیلامیان به روایت‌های نمایشی بر نگار کندها



شکل ۴



شکل ۵



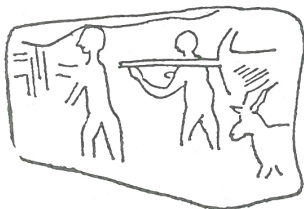
شکل ۶



شکل ۷



شکل ۸



شکل ۹



شکل ۱۰

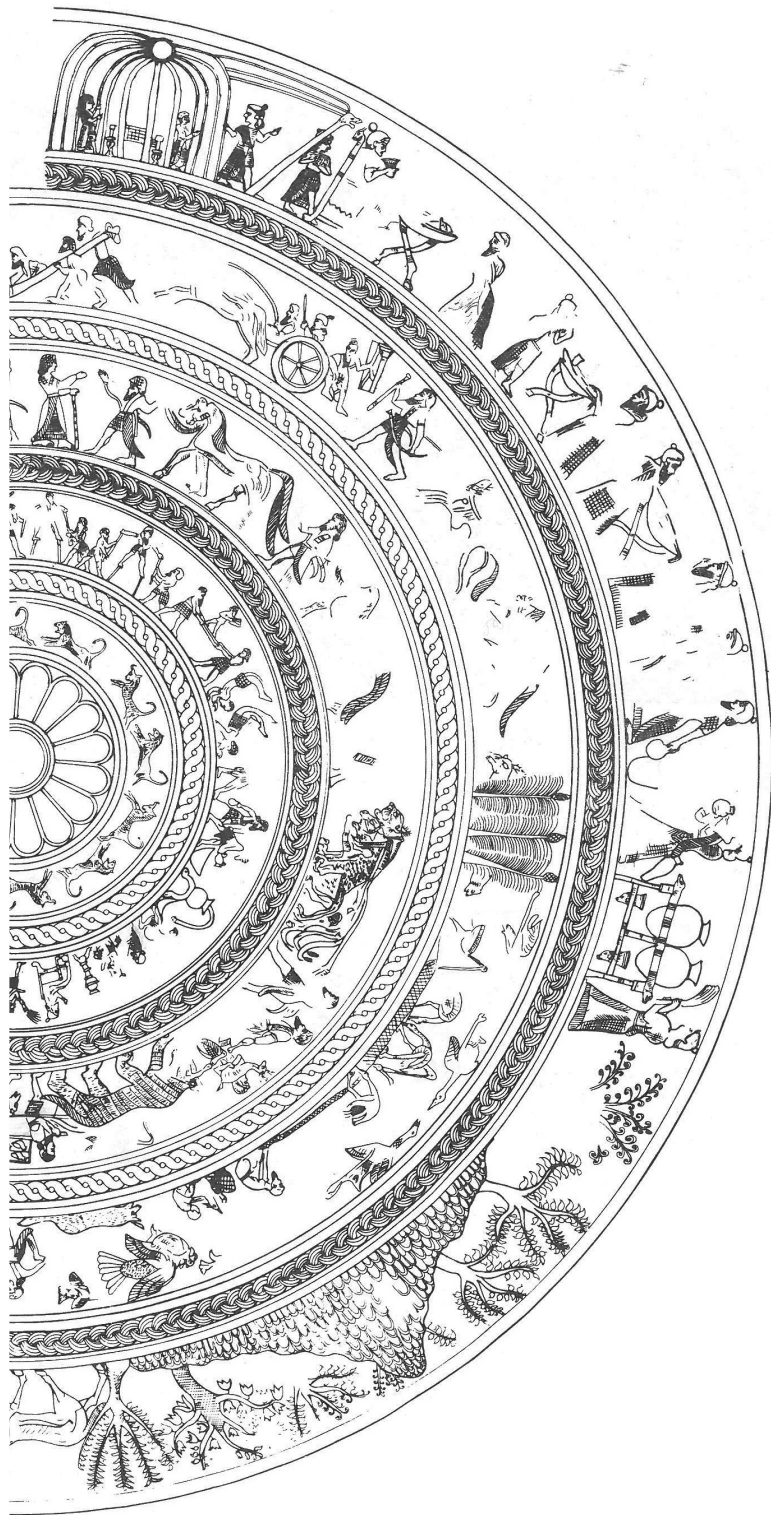


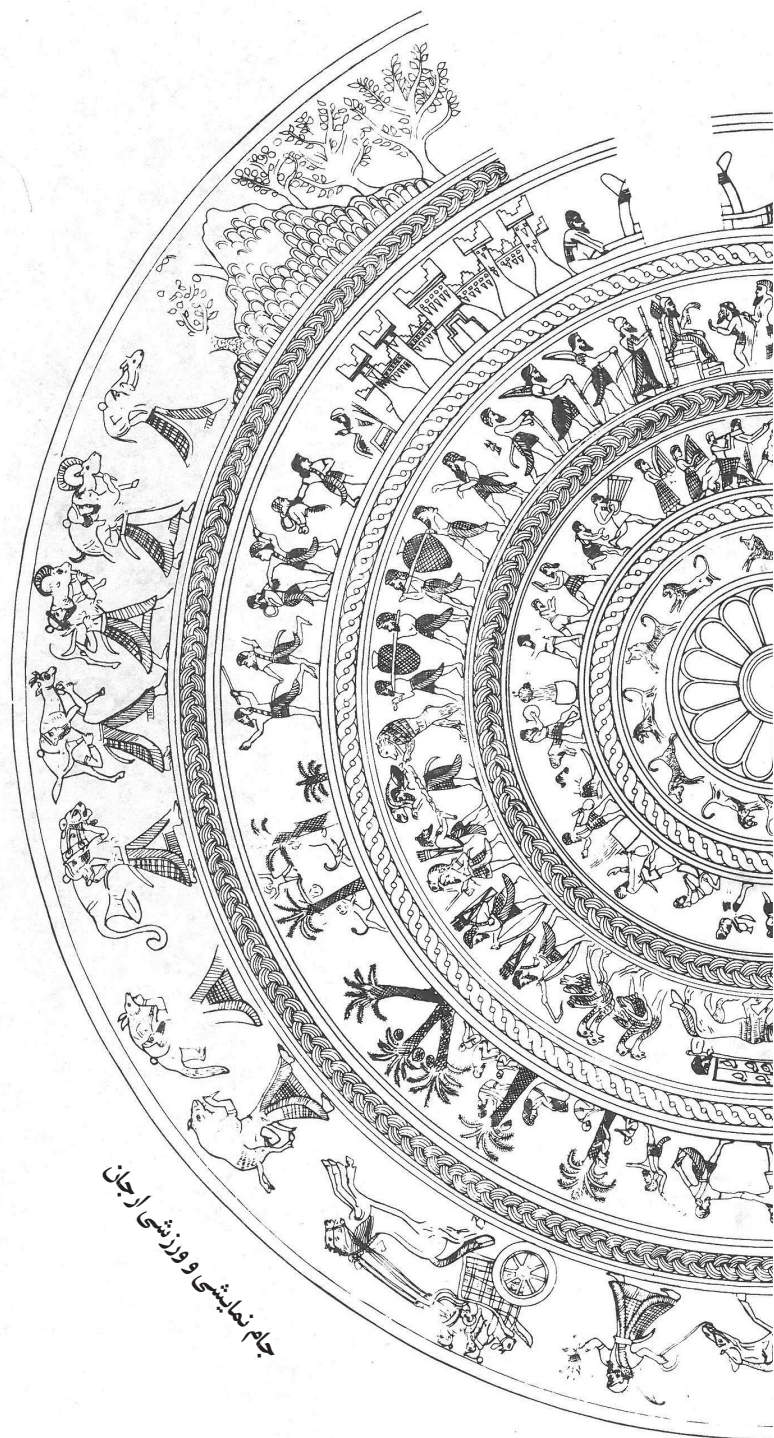
شکل ۱۱



شکل ۱۲

علاقه‌مندی عیلامیان به روایت‌های نمایشی بر نگارکندها





جام نهایشی و ورزشی ارجان

جام ار جان ، جام زندگی (جام نمایش و ورزش)

جام ارگان (ار جان) روایتی نمایشی است که بخشی از حیات عیلام نو و مظاهر مختلف زندگی را در لایه‌ها و سطوح مختلف به نمایش می‌گذارد. این جام در چهار نوار یا لایه ابعاد و مراسم مختلفی را به تصویر کشانده که گویای مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست و طبیعت آن منطقه است. همه‌ی این لایه‌ها حول محور نقش لوتوس یا نیلوفر ۱۶ پرّه‌ای است که در وسط این جام (سینی) به‌عنوان مرکز قرار دارد.

لایه و نوار اول به مجلس ضیافت و شکار در مناطق کوهستانی اختصاص دارد که شخص شاه و همراهان به شکارگاه رفته و نقطه آغاز آن برافراشتن خیمه و یا چادر استوار در ناحیه کوهستانی است. چادر به گونه‌ای در این جام طراحی شده که تنها ستون‌ها و ارکان آن طراحی شده و همین امر باعث گردیده تا ما از حضور افراد درون چادر آگاه شویم.

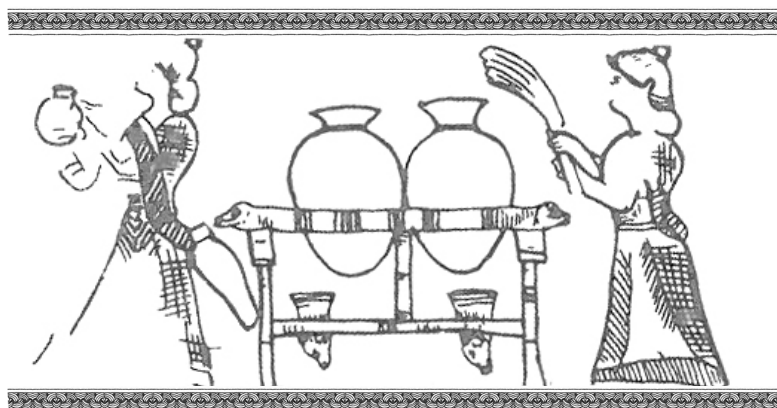
در درون چادر و یا آلاچیق باشکوه سلطنتی، پایه‌ها و ستون‌ها افراشته و ما را با فضای داخلی چادر آشنا می‌سازد که درون آن تخت مخصوص پادشاه قرار داشته و دو نفر از خدمه مشغول محکم کردن ستون‌ها و یا کارهای درون چادرند.

در قسمت جلوی چادر سایه بانی متصل به چادر وجود دارد که قسمت فوقانی پیشانی آن کله‌ی حیوانی شبیه به بز کوهی نصب گردیده که این رسم و سنت تا دوره‌های اخیر بر سر در خانه‌های خوزستان مرسوم بوده و به نشانه مهارت و برکت و اقتدار کله شکارها را بر پیشانی ورودی بام خانه‌ها نصب می‌کردند. این سایبان با پیشانی جلوآمده و ستونی مؤرب نگهداری شده و تصویر زنی در مدخل آن دیده می‌شود که یکدست خود را به چادر تکیه داده و دست دیگرش را به هوا بلند کرده است و به نظر می‌آید مشغول انجام کاری ست. اما شخص دیگری که در پشت سر شاه ایستاده دو دست خود را به حالت احترام بر روی شکم قرار داده و به رسم عیلامی‌ها در شرایط احترام قرار دارد.



در قسمت جلو پادشاه بر صندلی بلندی نشسته در حالی که جامی برای نوشیدن در دست داشته و میزی جلوی او قرار دارد که پایه‌های آن را به حالت ضربدری پای حیوانات (احتمالاً سم بز کوهی) تشکیل می‌دهند و در مقام شخص شاه مردی با جامه بلند که احتمالاً ساقی مخصوص شاه است در حالتی تعظیم گونه قرار دارد و دو میز دیگر در آنسو با همان شکل و شما چیده شده است که افراد و اشخاص در حالت بزم و نوشیدن قرار دارند؛ و

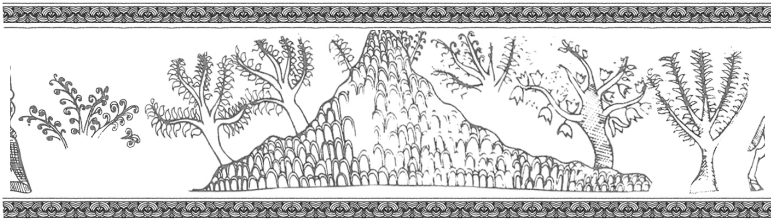
کمی آنسو تر، ساقی دیگری در کنار خمره‌ها قرابه‌های شراب قرار دارد که شخص در حال برداشتن مایعات از آن خمره‌هاست در حالی که این خمره‌ها در میزی به همین منظور با چهارپایه طراحی گردیده و در قسمت پائین میز فضاهائی جهت جاسازی لیوان‌ها «ریتون»‌ها طراحی شده است؛ و یک نفر زن محافظ بالای خمره در حالی که بادبزن مگس پرانی را در دست دارد بالای این میز دیده می‌شود؛ و پس از آن به درخت‌ها و کوهستان برمی‌خوریم که پناهگاه امنی برای مجلس بزم و نوشیدن شاه و اطرافیان را نشان می‌دهد.



زن گوئی خمره‌ای را به کمر دارد که از طریق خم کردن و بالا کشیدن آن می‌تواند ظروف کوچک‌تر را پُر کرده و جهت نوشیدن به دست مجلسیان برساند. به طور کلی در صحنه ضیافت ۱۴ نفر دیده می‌شوند که ۴ نفر آنها در پشت سرشاه و در اطراف و یا درون چادر و مابقی در جلوی چادر در حالت بزم شاهی قرار دارند. در روی میزها هیچگونه غذایی مشاهده نمی‌شود و

به نظر می‌آید این مجلس فقط برای صرف نوشیدنی‌ها تدارک دیده شده است. در کل به نظر چنین می‌آید که پادشاه عیلامی در منطقه‌ی ییلاقی و در مقابل چادر محل استراحت خویش به صورت خصوصی افرادی را به حضور پذیرفته و با نوشیدنی از آنان پذیرایی می‌کند و این بخش با فاصله کوه و درختان از هم جدا شده

در قسمت دوم لایه اول جام ارجان که با کوهستان و درختان از هم جدا شده



با صحنه‌ی شکارچسانی مواجه می‌شویم که هر کدام حیوانی را به شکار و غنیمت به مقرر شاه می‌آورند. هر هشت نفر پیاده هستند فقط دو نفر درون ارابه‌ای قرار دارند که گویا مسئول حمل و نقل و مواظبت از قوچ و بز کوهی درون ارابه را عهده‌دار هستند. ارابه با چرخ هشت پر و با اطاقکی که بدنه‌ی آن مزین است به وسیله‌ی دو اسب کشیده می‌شود، نشان داده شده است.



شکارچیان در حالیکه به طرف چادر سلطنتی در حرکت‌اند، بدن آنها به صورت تمام رخ و از طرف مقابل نشان داده می‌شود. سر و صورت و پاهای آنان به شکل تمام رخ و نیم رخ نشان داده شده و روی شانه‌های آنان حیوانات شکار شده مختلفی از جمله غزال، قوچ، بز کوهی، شیر، روباه و گراز حمل می‌شود. شکارچیان شاهی با دست راست پای راست حیوان را گرفته‌اند و برخی را با قلاده مهار کرده‌اند و برخی دیگر از جمله قوچ‌ها و بزهای کوهی را ریش آنها را در دست گرفته‌اند. بر کمر شکارچیان یک شمشیر بلند با نوک خمیده دیده می‌شود؛ اما تنها کسی که حیوانی را حمل نمی‌کند شخصی است که با یک دست افسار اسبی را یدک می‌کشد و در دست دیگرش احتمالاً گل نیلوفر و یا لوتوس قرار دارد. از آنجا که معمولاً در دست شاهان عیلامی و حتی هخامنشی مرسوم بوده که گل نوشکفته نیلوفر (لوتوس) را در دست می‌گرفتند احتمال دارد که این شخص خود شاه عیلامی باشد که در شکار کردن شرکت داشته ولی تصویر نشسته شخص شاه در مجلس بزم و در ضیافت سران این فرضیه را قدری نقض می‌کند. مخصوصاً آنکه در دست گرفتن لوتوس به وسیله شاهان اغلب به حالت نشسته بوده است.



نقوش نوار و لایه دوم جام ار جان

(شورشیان دستگیر و به نزد شاه عیلامی آورده می‌شوند)

نوار و یا لایه دوم به سمت بدنه داخلی جام برنزی قدری متفاوت است و گویای حادثه و اتفاق مهمی ست که باعث گردیده تا پادشاه مقرر ییلاقی خود را ترک کرده و خود را به ارگ حکومتی برساند. درواقع اگر صحنه‌ی اول گویای شادی و عیش و شکار بزم و طرب است صحنه دوم حاوی تحرک و جنب و جوش و تویخ و تنبیه و قلع و قمع مخالفان است که به نظر می‌رسد پس از اخبار واصله شاه مجبور به ترک محل استراحت خود شده است.



در این نوار و یا لایه پادشاه بر تختی جلوی دژ و یا قلعه‌ی حکومتی نشسته و مستقر شده و در پشت سر او قلعه با برج‌های کنگره‌دار با پنج برج و بارو و به شکلی مستحکم دیده می‌شود. درست برعکس نوار و لایه اول که

حرکت پادشاه و اشخاص موافق عقربه‌ی ساعت است در لایه دوم حرکت افراد درست بر عکس است که نشان از آن دارد که شاه و درباریان به مقرّ حکومتی خود در شهر بازگشته‌اند.

در پشت سر پادشاه و قلعه‌ی شهر چند تصویر را مشاهده می‌کنیم که به نظر می‌آید شاه ایلامی پس از شنیدن خبر شورش در شهر با گذر از نیزار و آبگیرها، سوار بر ارابه و نیز سوار بر قایق و گذر از آب به‌طور سریع خود را به مقر حکومتی و قلعه رسانده است که طی مراحل به کمک تصاویر در پشت سر شاه تا رسیدن به قلعه به نمایش گذاشته شده است و ظاهراً شاه به همراه افسران و محافظان از منطقه بیلاقی و با کمک قایقرانان سلطنتی به دژ مراجعه کرده است. در قسمت جلوی دژ یا قلعه شاه با ریشی بلند بر صندلی نشسته و دست‌ها را یا به حالت نیایش و یا در حالت فرمان به فرماندهان قرار داده در حالیکه اسیری را که احتمالاً یکی از سران شورشگر است کتف بسته به حضور او آورده‌اند. در پشت سر این سرباز یکی دیگر از سربازان شاهی با بلند کردن شمشیر بالای سر اسیر دیگری است که او را به پیش می‌راند و نفر دیگر از هم‌زمان در حال دویدن به سمت نخلستان مقابل و یا تعقیب فراریان هستند.



با توجه به شباهت و هماهنگی لباس‌های همراهان و محافظان شاه و اسیرشدگان شورش که لباس متحدالشکلی با یکدیگر دارند شاید به نظر برسد که شورشگران از درباریان و نزدیکان شاه و یا همان قوم و قبیله و تیره‌ی سربازان و درباریان باشند که در نبود شاه و به بیلاق رفتن او کودتائی داخلی را انجام داده که نافرجام مانده است.

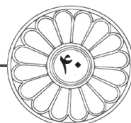
به عبارتی هنگامی که شاه در بیلاق مشغول استراحت و پذیرائی از نزدیکان خود بوده عده‌ای از افسران و سربازان وی به رهبری شخصی که کتف بسته نزد شاه آورده شده شورشی را بر علیه شاه و سلطنت ترتیب داده که با بازگشت سریع شاه به مقرّ حکومتی سرکوب شده و شورشیان دستگیر و اسیر شده‌اند و مابقی شورشیان به سوی نخلستان فرار کرده‌اند. با توجه به اینکه شمشیر اغلب سربازان در انتها حالتی نیمه خمیده دارد اما به نظر می‌آید سربازان هنگام دستگیری و همراهی اسیران چماق به دست داشته که آن را بالای سر دستگیرشدگان به هوا گرفته‌اند.

در نخلستان یکی از فراریان را می‌بینیم که بالای درخت رفته و دو دست خود را به نشانه‌ی تسلیم رو به آسمان بلند کرده، در حالی که سگ‌های محافظ سربازان در پای نخل به تعقیب آنان ادامه می‌دهند و در قسمت انتهای نخلستان یکی دیگر از شورش‌گران فراری را می‌بینیم که بر ساقه درخت نخل قصد فرار و بالا رفتن را دارد که توسط یکی از سربازان در حال تعقیب و سرکوبی ست.



در این قسمت فضای نخلستان و مردم عادی که در حال خرما چینی هستند و ظاهراً فصل رسیدن خرماها یعنی نیمه یا اواخر تابستان است دیده می‌شوند و فضای طبیعی نخلستان را به نمایش گذاشته‌اند.

پایان بخش این صحنه نمایش بازی «الخُتر alaytor» است که توسط دو پهلوان که نشانگر و گویای مقاومت و پایداری هستند در قالبی ورزشی به نمایش گذاشته می‌شود که نمود استحکام و پایداری آنان است.



بازی الختر alaxtor



الختر یا alaxtor یکی از کهن‌ترین ورزش‌های میدانی ست که سابقه‌ی آن به استناد تصویر حک شده در درون جام ارجان به سه هزار سال پیش می‌رسد. این بازی ورزشی که نماد قدرت و نمایش استقامت است از آن دوران تاکنون تداوم داشته و هم‌اکنون نیز بین قوم لر و بختیاری زنده و در حال انجام است و در شمار ورزش‌های بومی و روستایی ایرانی ثبت و ضبط شده و توسط ورزشکاران انجام می‌پذیرد.

الختریکی از بازی‌های قدرتی - مهارتی در بختیاری ست که مانند کشتی، بر محور زور آزمایی و حریف طلبی انجام می‌شود. در این بازی دو تیم مقابل هم می‌ایستند. روش انتخاب و یارگیری اغلب فامیلی و طایفه‌ای است. دو گروه حدود هفت تا ده متر از هم دورتر می‌ایستند. هر گروه یک فرمانده «رهبر - رئیس» دارد که «پیش جنگ» است و در اصطلاح به آن «دُوا» Dova (داماد) می‌گویند. اغلب این شخص مثل کاپیتان تیم‌های ورزشی از سابقه و قدرت و یا مهارت بیشتری برخوردار است. حالت بازی بدین طریق است که جامه‌ی بالاتنه را در می‌آورند و با دست راست از پشت انگشت پای چپ را می‌گیرند (افراد چپ دست، پای راست را می‌گیرند) و با زاویه‌ی ۶۰-۷۰ درجه در حالت لی لی کردن (روی یک پا جهیدن) به سمت حریفان روبروی خود رفته و سعی می‌کنند تا با حمله و حرکت و ضربت دست که بر سینه طرف مقابل به حالت «هُل دادن» باشد، تعادل حریف را بر هم زده تا او پایش را رها کند و به زمین بیفتد. (قنبری ۱۳۷: ۱۳۹۹) این شیوه بازی نمادی از جنگ‌ها و نمایش‌های مبارزه‌ی میدانی نیز قلمداد می‌شود، همچنان که گاه ابتدا در حالیکه دو گروه در مقابل هم صف کشیده‌اند، ... مبارزه‌ی تک به تک و یا فرد به فرد را داریم و سپس دو به دو ... سرانجام در نبرد و تقابل جمعی با هم به رقابت می‌پردازند تا توانمندی‌های خود را نسبت به گروه حریف نمایان سازند و به نمایش بگذارند.

اصغر کریمی، پژوهشگر مردم‌شناسی و فرهنگ عامه در مقاله‌ی خود، این بازی را که در روستای کهنک خوزستان دیده است بدین طریق گزارش



می‌کند و از آن به‌عنوان «الخترون» یاد می‌کند: دو نفر سلّار یا سالار یا «شرّی، پَرّی»^۱ شرکت کنندگان را به دو دست تقسیم می‌کنند. برای تعیین گروه برنده دو نفر از کوچک‌ترها «از هر گروهی یک نفر» یک پای خود را از زانو به پشت خم می‌کنند و با دست دیگر آن پا را به همان حال نگه می‌دارند و یا یک پائی به هم حمله می‌کنند. این جدال آنقدر ادامه دارد تا یکی از آنها زمین بخورند و در نتیجه دسته‌ی او بازنده می‌شوند. (کریمی ۵۶: ۱۳۵۳)

این بازی معمولاً توسط جوانان و حتی گاه افراد بزرگسال به ویژه در اطرافگاه و باراندازهای عشایر بختیاری پس از کوچ و اقامت انجام می‌پذیرد که طرفداران بی‌شماری دارد.

هر دو طرف جائی را به‌عنوان (تَل) «Tal» انتخاب می‌کنند که حالتی سنگچینی داشته و درواقع مقرّ اصلی گروه است که معمولاً «داماد» در آنجا مستقر می‌شود.

یک گروه از تل دفاع می‌کنند و مانع حمله‌ی گروه مقابل می‌شوند. از طرفی گروه مدافع سعی می‌کنند، «دوا» یا «داماد» را به اصطلاح شکست داده و بسوزانند. در این هنگام دوا از دست آنان فرار می‌کند و سعی می‌کند خود را به تَل برساند. در صورتی که پای داماد از دستش رها شود، از گروه مقابل داماد انتخاب می‌شود و بازی ادامه پیدا می‌کند. (سعیدی ۴۱-۴۲: ۱۳۹۹)

۱- در برخی موارد «شرّی، گری» هم خطاب می‌شوند.



داماد هنگامی که به تل می‌رسد مجاز است که بر دوپای خود بیاستد ولی در طول بازی و هنگام حرکت هیچکدام از بازی کنان مجاز به استفاده و ایستادگی بر دوپای خود را ندارند و تنها باید بر یک پا استوار باشند.

روش دیگری از الختر که بیشتر دختران آن را بازی می‌کنند (خروس جنگی) نام دارد و بدین صورت است که یک پای خود را به بالا خم می‌کنند و روی یک پا حرکت را شروع کرده و به جلو می‌جهند در حالی که دست‌های خود را جلوی سینه روی هم گذاشته با یک پا و به صورت لی لی به یکدیگر حمله می‌کنند. در این نوع بازی استفاده از دست بازو گرفتن و یا هل دادن با دست خطا محسوب می‌شود و معمولاً سعی می‌کنند با شانه و سینه به هم ضربه بزنند تا تعادل طرف مقابل را به هم بزنند و تاب مقاومتش را از دست بدهد و پایی را که خم شده و به بالا نگهداشته با زمین تماس پیدا کند و به اصطلاح بسوزد. (همان ۴۲)

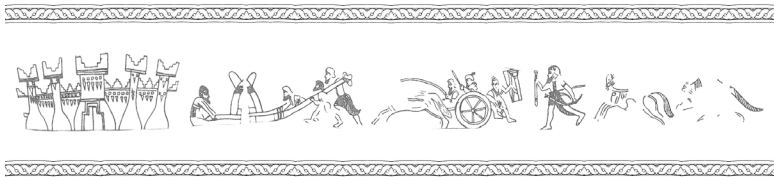
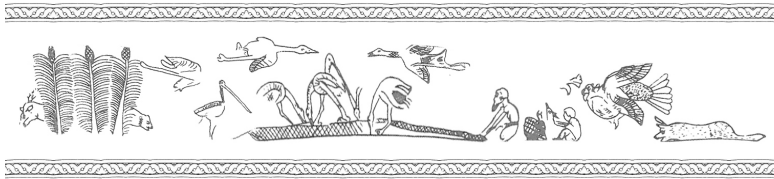
به هر روی این بازی نمایشی - ورزشی نمادی از استقامت و پایداری و تاب‌آوری است که چنانکه شخص یک پای خود را به هر دلیلی از دست داد توان مقابله و مبارزه و ایستادگی بر پای دیگر خود را داشته و بتواند در برابر حملات حریف پایداری کند.



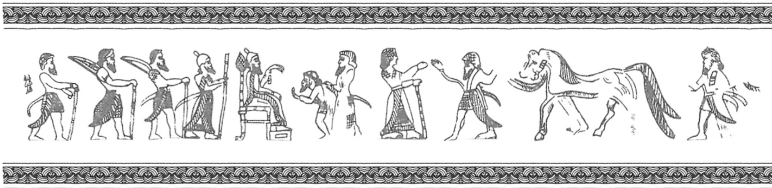
از این رو می‌توان این روش و ورزش را تقویت قوای جسمانی، پرورش عضلات و سرشانه‌ها و حفظ تعادل و پایداری و اعتماد به نفس قلمداد کرد.



در ادامه‌ی تصاویری لایه و یا نوار دوم، حالات مختلف زندگی، ماهیگیری در آبگیر را شاهد هستیم که دو نفر ماهیگیر پشت سر هم نشسته و نفر جلویی که بلندتر از دیگری ست تور ماهیگیری بزرگی را بر آب پهن کرده و روی تور ماهیگیری پرندگانی مانند مرغ ماهیخوار و درنا و لک لک و غاز دیده می‌شوند و دو مرغابی نیز در بالای آسمان در حال پروازند. پشت سر ماهیگیران سگی به حالت درازکش شاهد ماجراست؛ و کمی آنسوتر در پرچین و حصارمانندی دو حیوان سرشان دیده می‌شود که به نظر می‌آید در دامگه گیر افتاده باشند.



نوار یا لایه سوم (حضور شاه و صحنه هدایا)



نوار سوم از فشرده‌گی و حضور بیشتری به لحاظ تصویری برخوردار است. هرچند عرض نوار دوم و سوم برابر است. نقوش حاصله در این لایه موضوع واحدی را که همانا استقرار مجدد شاه بر تخت شاهی و برقراری حکومت و امنیت را با اهدا هدایا به شخص شاه نشان می‌دهد. حیوانات مختلفی به خدمت شاه هدیه می‌شوند. دو تحلیل و تعبیر را می‌توان در این خصوص مطرح کرد. نخست آنکه ارسال این هدایا از سوی «کیدین هوتران» یکی از نزدیکان شاه، همان شخصی که یک جام متعلق به اوست و نامش در این جام حکاکی شده و یا اینکه پس از استقرار شاه در مقر حکومتی و دفع شورشیان و برقراری امنیت و تسلط بر اوضاع شکارچی مخصوص شاه، هدایا را که بیشتر آنان شباهت زیادی با نوار لایه اول یعنی شکارگاه دارد.



نگارکند آیینی کولفرج، شاه به همراه ساقی و کماندار در مراسم قربانی کردن به همراه گروه موسیقی

همچنین در سنگ‌نگاره‌ی چهارم کولفرح (مراسم تحلیف) دو کماندار با کمانش دیده می‌شود.

همچنان که اشارت رفت موضوع لایه‌ی سوم جام ارجان همانا آوردن حیوانات مختلف پیش شاه عیلامی ست. شاه همچنان بر تخت مرصع خود نشسته و حرکت نقوش برخلاف لایه‌ی دوم در جهت حرکت عقربه‌های ساعت است یعنی پس از عبور از لایه دوم و سرکوبی شورشگران و استقرار امنیت، نقوش جام در جهت آرامش و حرکت عقربه‌های ساعت مطابق با لایه‌ی اول که همه چیز در امن و امان بود و شاه به شکار رفته بوده طراحی شده‌اند که این امر گویای دقت روایتگری این جام توسط هنرمند خالق اثر است.

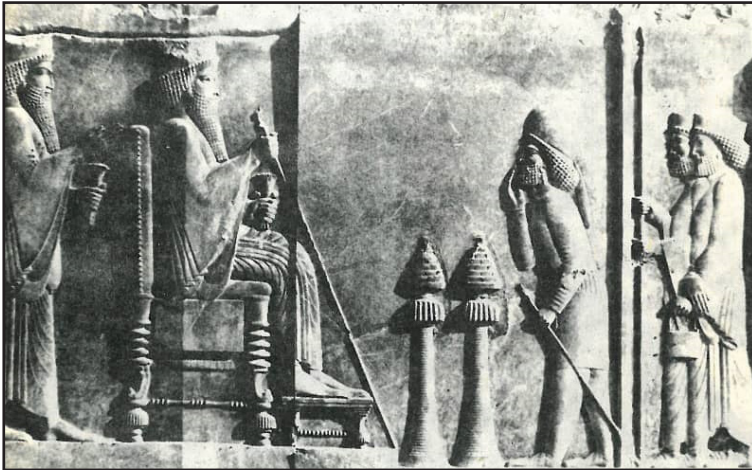
شاه بر صندلی نشسته و در پیش روی او دو نفر دیده می‌شوند. او با ریشی بلند با یک دست بادبزی را گرفته که در حال باد زدن خویش است در حالیکه دست دیگرش را روی زانو قرار داده است. لباس او چنان بلند است که تا روی پایش را می‌پوشاند.



در مقابل شاه عیلامی دو نفر دیده می‌شوند که یکی به حالت ایستاده و شمشیری به کمر دارد و دیگری در برابر شاه به حالت خمیده و با آوردن یک دست خود مقابل دهان ادای احترام به پادشاه می‌کند. این ژست و حالت مفهوم احترام و اطاعت و دست خود را بر دهان گذاشتن و مطیع بودن را می‌رساند که در نگارکند کولفرح در مراسم جلوس شاه بر تخت شاهی دیده شده و بر این اساس نگار کند داریوش شاه در تخت جمشید به همین حالت مشخص و گویا مرسوم بوده است که از دوران عیلام به دوران هخامنشیان نیز رسیده است. همچنان که می‌دانیم هخامنشیان وارثان فرهنگی عیلام بوده و بسیار وامدار فرهنگ غنی و کهن عیلامیان‌اند و چه در خط و چه در آیین دبیری و حکومت‌داری از آنان متأثر بوده‌اند.

احتمال دیگری نیز وجود دارد که شخص خم شده در مقابل شاه سرکرده‌ی شورشیان باشد که اکنون به اطاعت و انقیاد شاه درآمده و در برابر شخص شاه زانو زده، دست بر دهان خود گذاشته، گوش بر فرمان و مطیع اوامر شاه است.





نگارکند داریوش شاه هخامنشی در تخت جمشید که به جلوس شاه عیلامی در جام ارجان شباهت دارد

و نیز پشت سر آنان در جهت مقابل و به سمت شاه شخصی آغوش گشاده و خوشحال و با نشاط در حالی که اسبی پشت سر او قرار دارد به سوی بارگاه شاه روانه شده که مسرت و خوشحالی خود را با اهدا هدایا نشان می‌دهد و در برابرش شخص دیگری قرار گرفته که فاقد ریش است اما با عصای تشریفاتی و چوب بلند مرصعی را که در دست دارد، از او استقبال می‌کند.

اما در پشت سر شاه چهار نفر حضور دارند که یکی از آنان که در سمت پشت سر شاه ایستاده عصای بلند حکومتی را در دست داشته که احتمالاً نایب السلطنه و نایب الحکومه بوده که طبق رسوم عیلامی احتمالاً برادر کوچک‌تر شاه بوده که در مقام «برادر سالاری» پس از شخص شاه نایب الحکومه قلمداد می‌شده و کلاه بر سر ایشان دقیقاً همان شکل و فرم کلاه شاه را دارد و سه

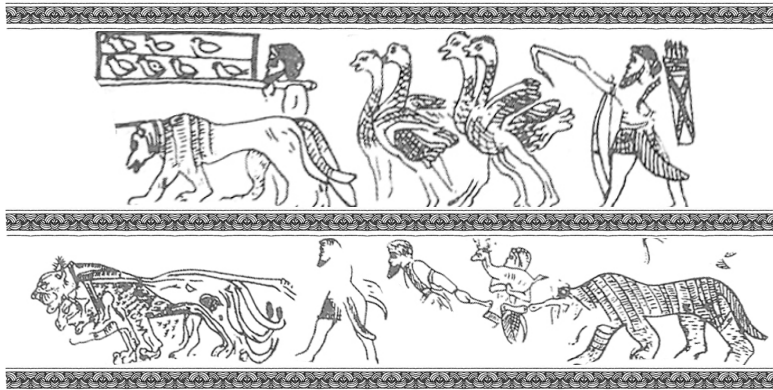
نفر دیگر که آجودان‌ها و یا اسلحه‌داران شاه می‌باشند و فرم لباس آنان قدری تشریفاتی است و از کتف و شانه‌هایشان سرشانه‌های بال‌گونه دیده می‌شود.

اما درست پس از این افراد آغاز حرکت کاروان هدایا را ملاحظه می‌کنیم که توسط شخصی هدایت می‌شوند که احتمالاً راهنمای کاروان هدایاست. نخستین گروه شامل ۴ نفرند که به شکل دونفری خمره‌هائی را بر چوب بست حمل می‌کنند تا به دربار هدیه بیاورند؛ و پس از آن خرس یا شیر را می‌بینیم که مهار و به زنجیر در آمده و در حالی که حلقه‌ای بر گردن دارد توسط شخصی که تیردان پر تیری را بر کتف خود دارد در صف هدایا در حالت ایستاده و بر دوپا راه می‌رود که این حالت بیشتر مربوط به خرس است که اغلب می‌تواند بر دوپای خود ایستاده و حرکت کند و میان آنان دو نفر دیگر دیده می‌شوند که هرکدام حیوانی را بر دوش خود حمل می‌کنند یادآور می‌شویم که منطقه شمال شرقی خوزستان زیستگاه شیر بوده است و در کوهستان و بیشه‌زارهای جنوب شیر تا دوره‌های اخیر زندگی می‌کرده است.



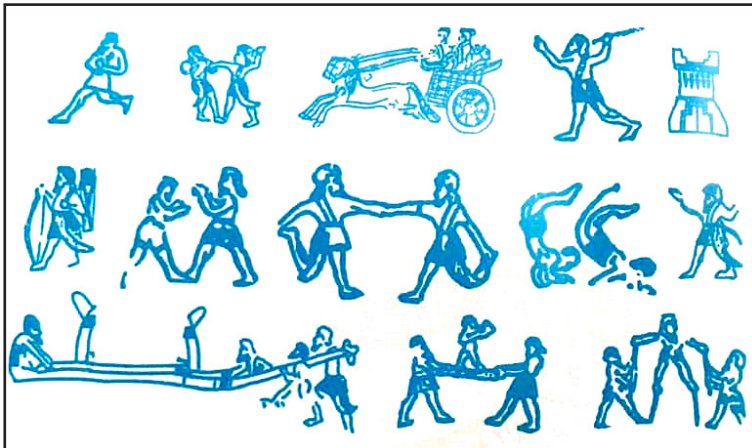
سپس شکارچیان را می‌بینیم که گله‌ی شترمرغ‌ها را به جلو می‌رانند و در قسمت جلوتر از آنان در همان صف دو نفر دیگر که قفس پرندگان شکاری (کبک‌ها) را حمل می‌نمایند؛ و در همان صف شخصی تنومند دیده می‌شود که ببری را به زنجیر کرده و پیش می‌راند و جلوتر از آن در حالیکه شخص دیگری دیده می‌شود که آهوئی کوهی را بر دوش حمل می‌کند فردی را می‌بینیم که بر گردن پلنگ‌ها یوغ بسته و مقتدرانه آنها را به پیش می‌راند. این صحنه‌ها در یک صف و کارون هدایای حیوانی به نوعی حرکات سیرک‌های نمایشی را به ذهن متبادر می‌کند و قدرت مهار حیوانات وحشی را توسط عیلامیان و اسارت آنان را جهت پیشکشی به دربار شاه نشان می‌دهد سرانجام در جلوی صف کاروان دو اسب را مشاهده می‌کنیم که توسط همان شخص اصلی در جلوی محل جلوس شاه دیده می‌شوند.

پس ما در لایه‌ی سوم نیز با نوعی کاروان یا کارناوال نمایشی حیوانات مواجه می‌شویم که در صفی منظم به پیشگاه شاه عیلامی به‌عنوان هدایا اهدا می‌شوند.



نوار و لایه چهارم

(نمایش و ورزش در جشن پیروزی)



برخلاف حوادث و مخاطرات نوار و لایه‌های پیشینی، لایه چهارم به جشن و شادی و ورزش و نمایش اختصاص دارد. این لایه چهارمین لایه نمایش و روایتگرانه‌ی این جام است که در بخش‌های مختلف آن، سیاست، طبیعت، زیست محیط، جنگ و مبارزه و اقتدار سیاسی و در آن عملیات و حرکات ورزشی به نمایش گذاشته شده و بی‌سبب نیست که آن را «جام زندگی» نام نهاده‌اند.

همان گونه که اشاره شد این جام پایان خوشی داشته و روایت را به خوشی و شادمانی و پیروزی خاتمه می دهد. در این صحنه نیز شخص شاه حضور داشته و شاهد عملیات ورزشی و نمایشی ورزشکاران رشته های مختلف است. در این لایه و صحنه هیچ مکان و قصر و کاخی دیده نمی شود و به نظر می آید که برگزارکنندگان آن را در یک فضای باز به نمایش می گذارند. در این صحنه نه از جنگ و جدال و سرکوب خبری هست نه از نیروهای حکومتی. در عوض گروه های موسیقی و ورزشکاران و هنرمندان در فضای شاد و جشن گونه مهارت ها و هنر و قدرت بدنی خود را در معرض تماشا قرار می دهند. آشپزخانه ی شاهی نیز در حال پخت و پز غذا برای شرکت کنندگان در این جشن است. شخص شاه در هر چهار نوار و یا لایه حضور دارد. در این صحنه شاه بر صندلی حکومتی نشسته و مجمر و آتش دانی جلوی او قرار دارد و دو نفر به حالت نشسته جلوی او قرار گرفته که با توجه به شباهت کلاه نفر اول با شخص، همان برادر شاه یا نایب السلطنه باشد و نفر دیگر احتمالاً وزیر و یا ساقی شاه است. پشت سر این دو نفر خمره مایعات و نوشیدنی قرار دارد که بر پایه ای تعبیه شده و شخصی در حالی که خم شده مشغول برداشت مایع نوشیدنی است و در طرف دیگر دو شخص یکی به حالت ایستاده در حالیکه قرابه ای را در دست دارد و دیگری به حالت خمیده مشغول ریختن مایع در ظرف روی زمین است دیده می شود.



در پشت و ادامه تصاویر ورزشکاران را مشاهده می‌کنیم که به حالت آکروباتیک و راه رفتن که به آن «دست پا» می‌گویند روی حرکات دست راه رفته و مهارت و قدرت خود را به نمایش می‌گذارد. این ورزش (دست پا) نیز تا دوره‌های اخیر در میان بختیاری‌ها به هنگام تفریح و ورزش انجام می‌شده و حالتی مسابقه‌ای داشته است.



در مسابقه «دست پا» محلی به نام «تل» یا نقطه پایانی مسابقه انتخاب می‌شود و افراد در فاصله‌های بیش از ۱۰ متر می‌بایست در یک خط قرار گرفته و سپس در حالیکه روی دست‌ها قرار گرفته پاهایشان رو به آسمان است می‌بایست از یکدیگر پیشی گیرند و برنده طبعاً کسی ست که زودتر از دیگران به خط پایان یا همان «تل» خود را رسانده باشد. (چارتنگی)^۱



۱- گفتگو با هوشنگ چهار تنگی درباره‌ی بازی و مسابقه‌ی دست و پا

در حرکت بعدی شاهد حضور دو شخص مقابل یکدیگر هستیم یا دو قطعه طناب و یا دو چوب را در دو دست به شکل مقابل گرفته و فرد دیگری پاهایش را روی این طناب و یا چوب قرار داده و احتمالاً مشغول نواختن سازی ست و یا اینکه رقص و حرکتی نمایشی را انجام می‌دهد که طبعاً با حرکات دست دو نفر هماهنگ است.



حرکت دیگر از نوع عملیات ورزشی - نمایشی (چوب پا) است که فردی بر پایه‌های چوبی به ارتفاع زانو تا سطح زمین قرار گرفته و بر ارتفاع خود افزوده و دو نفر دیگر در جناحین در حالی که هرکدام با چوبی دستان او را از دو سو نگاه داشته‌اند به انجام حرکات و عملیات ورزشی مبادرت می‌ورزند که از بازی‌های رایج و نمایشی آن دوران بوده که تا دهه‌های اخیر نیز در جشن و مراسم بختیاری موسوم بوده است. همین حرکت توسط سه نفر دیگر در ادامه دیده می‌شود.

هیچ جشن و نمایشی بدون موسیقی صورت نمی‌پذیرد و در این صحنه در ادامه‌ی حرکات ورزشی و نمایش ورزشکاران و بروز مهارت و قدرت و چالاک‌ی آنان به گروه موسیقی برمی‌خوریم که با ساز و آلات موسیقی

عیلامی مشغول نواختن به شکل میدانی هستند.

تعداد اعضا گروه موسیقی شامل دو فلوت زن و یا سرنا و سرنازن و دو نفر چنگ نواز هستند که آنان را همراهی می‌کنند. این سازها و چنگ و فلوت‌ها به سازهای عیلامی واقع در نگار کندهای نارسینا (کولفرح) ایذه شباهت دارند که تصویر آنان به زیبایی در کتیبه‌ها و نگار کندهای شماره ۱ و ۳ ایذه همخوانی دارد.



در کتیبه و نگار کندهای کولفرح گروه موسیقی هم در مراسم قربانی کردن و هم در کارناوال آئینی و مشایعت تندیس خدایان در شکلی گروهی حضور دارند.



گروه موسیقی عیلام - کولفرح

در پشت سرگروه موسیقی به فاصله‌ی اندکی دو نفر دیگر حضور دارند که یکی از آنان چنگی دیگر را در دست داشته و در حالتی رقص گونه به همراه نفر پشت سر تفاوت نوع موسیقی و حرکت توأمان را به نمایش می‌گذارند که بر شور و نشاط و حضور مهمم موسیقی در فرح بخشی و نشاط افزائی این جشن می‌افزاید.

در کنار آنان به حالت روبرو شاهد حضور دو فردی هستیم که به نظر می‌آید یکی از آنان دف و یا دایره‌ای در دست داشته و در حالت نواختن است و فرد مقابل بر اساس ریتم موسیقی حرکاتی رقص گونه را انجام می‌دهد. در کنار نوازندگان شخصی در حالت پل زدن وجود داد.



در ادامه با اشخاصی روبرو می‌شویم که در حال تهیه و پخت و پز نان هستند و تنوری را مشتعل نگه داشته و تصویری در میان شعله‌های تنور به چشم می‌آید که بی‌شباهت به ماهی نیست و ممکن است همان روش بریان کردن ماهی در میان شعله‌ها و پخت و پز آن در تنور باشد که هنوز

میان اهالی خوزستان مرسوم است. در کنار آنان دو نفر به حالت خمیرگیری در ظرفی مشغول تهیه خمیر کنار تنور هستند و در دو طرف خمیر قرار گرفته و شخصی مایعی را درون دیگ ریخته و یا موادی را به دیگ آشپزی اضافه می‌کند و پس از آن شاهد حضور فردی هستیم که به سمت پشت سر شاه در حرکت است که گویا آفتابه و لگنی جهت شستن دست‌های شاه را مدنظر داشته و یا به احتمال دیگری قرابه و ظرفی از غذا را جهت پیشکشی به شاه با خود حمل می‌کند.



نتیجه‌گیری

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از صحنه و لایه‌های مختلف جام ارگان (ارجان) که به دقت بر بدنه‌ی داخلی این جام در چند لایه طراحی شده‌اند روایتگر این نظریه است که یکی از پادشاهان عیلامی برای مدتی به یکی از مناطق خوش آب و هوای کوهستانی جهت شکار و استراحت عزیمت نموده و در غیاب وی در مقر حکومتی شورش به عمل می‌پیوندند و شاه مجبور می‌شود به سرعت از شکارچیان جدا شده و منطقه کوهستانی را ترک نموده و همراه محافظین خود ابتدا سواره و بعد با قایق به مقر حکومتی بازگردد تا به وضع حکومت خود سروسامانی بدهد و با مهاجرت او به شهر دستور دستگیری شورشیان را داده آنها را اسیر و به پیش شاه می‌آورند بقیه‌ی شورشیان یا فرار می‌کنند و یا دستگیر می‌شوند

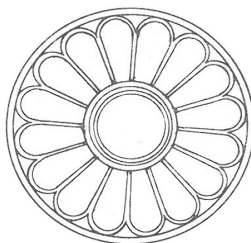
رئیس شکارچیان شاهی در یک روز خاص فرصت پیدا می‌کند تا طی مراسمی حیوانات شکار شده را به پیشگاه شاه بیاورد و شاه در صحنه‌ی پایانی به مناسبت این پیروزی غلبه بر شورشیان و بازگرداندن آرامش به کشور خود با حضور هنرمندان و ورزشکاران جشن پیروزی برپا نماید. (ص ۲۹: ۱۳۶۹)

همه‌ی این مراحل و مسائل و سرگذشت در جام ارگان (ارجان) به شکلی روایتی و زیبا و رعایت تواتر و توالی در این جام نقش و نگار یافته که یادگاری از آن دوران است.

اما افزون بر چهار لایه‌ی اصلی که هرکدام مرحله و مرتبه‌ای از ماجرا را به قالب تصویر شکایت و روایت می‌کنند در وسط این جام برنزی و مرکز ثقل

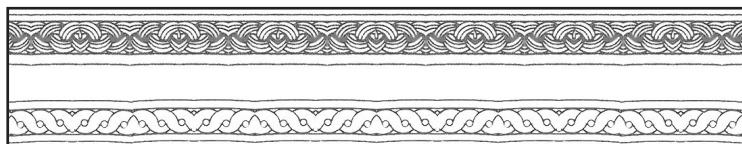


آن گل لوتوس یا نیلوفر که نمادی از صلح و آرامش است با ۱۶ پر حکاکی شده است و لایه‌ی اطراف آن را با نقوش شیر و قوچ کوهی هستند که در پی هم حول دایره نقش بسته‌اند.



فاصله‌ی میان حلقه‌ها و نوارها و لایه‌ها را با زنجیرهای مستحکم و درهم فشرده به حالت گیس باف طراحی کرده‌اند که آن‌هم می‌تواند نماد مقاومت، پایداری و استحکام قدرت حکومت عیلامی باشد. (یاوری ۱۳۷۶: ۳۴)

در میان لایه‌های جام سه حلقه‌ی زنجیر که لایه‌ها را از هم منفک می‌کند، زنجیر وسط به رنگ روشن و دو زنجیر دیگر به رنگ تیره حکاکی شده‌اند که به فضای کُلی جام حال و هوایی مستحکم می‌بخشد. چندانکه می‌توان این جام را جام مقاومت و جشن و پیروزی نیز نامید.



کتابنامه

- آمیه، پیر، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۹
- دوبد، بارون - سفرنامه خوزستان و لرستان ترجمه محمدحسین آریا، انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۸۰
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس احمدبن ابی‌الخیر - شیرازنامه - فرهنگستان - هنر ۱۳۸۹
- سعیدی، خرم - بازی‌های بومی ایزده - نشر همسایه با همکاری نشر آی‌پیر - ۱۳۹۹
- شیشه‌گر، آرمان - آرامگاه دوبانوی عیلامی - انتشارات سازمان میراث فرهنگی - ۱۳۹۳
- صالح پور، اردشیر - نارسینا (کولفرح) نیایشگاه باستانی عیلام نو - نشر الیما ۱۳۹۵
- صراف، محمدرحیم‌اثر، مجله‌ی میراث فرهنگی شماره ۱۷ - بهار ۱۳۶۹ - ویژه‌نامه‌ی ارجان
- علیزاده، عباس آرامگاه مربوط به عیلام نو در ارجان، ترجمه رسول وطن دوست مجله‌ی اثر شماره ۱۲ - سازمان میراث فرهنگی
- قنبری، عباس - بازی و سرگرمی در بختیاری - نشر نیوشه - ۱۳۹۹
- مرادی نوراله - نقش و جایگاه زن در امپراطوری ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه تهران ۱۳۷۹
- هینتروالتر، دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا - انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۷۶
- والا، فرانوا، تذکری در مورد نوشته‌ی میخی شیء طلائئ ارجان، ترجمه افسانه خلعتبری - مجله اثر شماره ۱۲ بهمن ۱۳۶۶ - سازمان میراث فرهنگی
- یاوری، منوچهر - تاریخ ورزش ایران و صنعت نفت - منتشر نشده



کشف یک بازی زنده

در جام ارجان

یکی از نکات بسیار مهم درباره پیدایش این جام و لزوم استفاده از این نماد برای کاروان المپیک ۲۰۲۰ وجود یکی از بازیهای رایج و زنده کشورمان در میان نقوش این جام باستانی است بازی یا ورزشی به نام الختورن که روی لایه دوم این جام تصویر شده است. الختورن هم اکنون به عنوان یک ورزش تفریحی در برخی نقاط ایران از جمله خوزستان رایج است. در این ورزش ورزشکار با دست راست خود پای راست را گرفته و با استفاده از دست و پای چپ با رقیب خود مبارزه میکند ایده اصلی و بن مایه فیگورها و شکل‌های به کار رفته در طراحی هویت، بصری با تجزیه تحلیل عناصر بصری درون جام ارجان به دست آمده تلاش شده در بستری مفهومی با شعار کاروان نام کاروان رنگها و سایر ملزومات هویتی ترکیب - شود ایده استفاده از نقوش جام ارجان توسط دکتر اردشیر صالح پور پیشنهاد شد طرحهای پیش رو حاصل مشورتهای علمی دکتر اردشیر ح پور ابتکار هنری حمیدرضا بیدقی و هم اندیشی جمعی از صاحب نظران حوزه فرهنگ و هنر بوده است.



Discovery of a Living Game in the Arjan Bowl

One of the most important points about this bowl which makes it a perfect choice for being the symbol of the Iranian Delegation to the 2020 Tokyo Olympic Games is a depiction of a living game in our country. This game, Alakhtorun, has been depicted in the second circle of the bowl. This game is at the moment played as a recreational game in some places in Iran including Khuzestan province. In this game, the athlete takes his right leg with his right hand and competes with his rival using his left hand and leg.

The visual elements of the Arjan Bowl constitute the main idea and figures and figurines designed as the visual identity of the symbol. Contextually speaking, the designers have tried to employ those figures and figurines in a way that they would be in concert with the motto and name of the delegation as well as other requirements. Dr Ardeshir Salehpour proposed to use the depictions of the Arjan Bowl to such a purpose. The results of consultations, talks and Mr Hamid Reza Beidaghi's (The designer of the visual identity) endeavors are the following drawings which we hope they are interesting enough for the culture and art lovers.



طراحی هویت بصری

به پیشنهاد دکتر اردشیر صالح پور جام تاریخی ارجان یا جام «زندگی» به عنوان یکی از موضوعات اصلی و محوری کارگروه هویت بصری در دستورکار قرار گرفت جامی که قدمت آن بیش از سه هزار سال است و به روشنی برگزاری یک رویداد گروهی آیینی چیزی شبیه به المپیک (امروزی را در ۱۲۳۵ سال پیش از میلاد مسیح نشان می دهد به گفته باستان شناسان بیش از سه هزار سال پیش مراسمی بزرگ در ایران برگزار می شده که تلفیقی از مراسم آیینی رزمی و ورزشی بوده است.

Designing a Visual Identity

As proposed by Dr Ardeshir Salehpour, Arjan Bowl or "Bowl of Life" has been discussed as one of the main topics of the Visual Identity Workgroup. The bowl dates back to three millennia. It clearly shows the organization of a group ritual in 1325 BCE (something like the modern Olympics). Based on Archaeologists, there had been a big ceremony in Iran which was combination of sports, military and rituals.





